

ماهنامه

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران



نامه تسلیت کمیته مرکزی حزب توده ایران
به کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان
بمناسبت درگذشت رفیق والتر اولبریش

رفقای عزیز !

کمیته مرکزی حزب توده ایران مراتب تأثر عمیق خود را بمناسبت درگذشت رفیق والتر اولبریش عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان و صدر شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان ابراز میدارد. تاریخ حزب سوسیالیست متحد آلمان و جمهوری دموکراتیک آلمان با نام و فعالیت رفیق والتر اولبریش پیوند ناگسستنی دارد. رفیق والتر اولبریش - یکی از رهبران برجسته جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و رجل دولتی سوسیالیستی - در سراسر جهان مشهور و مورد احترام بود و بعنوان يك انترناسیونالیست پرولتری یر شور همیشه در پیشاپیش صفوف مبارزه در راه وحدت و پیوستگی صفوف جنبش جهانی کمونیستی و کارگری قرار داشت. رفیق والتر اولبریش از جنبش آزادیبخش ملی و ییکار ضد امپریالیستی آن در راه احراز استقلال ملی و ترقی اجتماعی بایگیری پشتیبانی میکرد. ما مطمئن کامل داریم که حزب سوسیالیست متحد آلمان تحت رهبری کمیته مرکزی مارکسیستی - لنینیستی خویش با ادامه کوشش در راه تحقق تصمیمات گذر هفتم به پیروزیهای بزرگ نائل خواهد آمد و این شایسته ترین بزرگداشت خاطره رفیق والتر اولبریش است.

با سلامهای سوسیالیستی - کمیته مرکزی حزب توده ایران
دبیر اول - ایرج اسکندری

حکومت ایران برای تشکیل بلوک نظامی جدیدی تلاش میکند

دوران «جنگ سرد» پایان میرسد و سیاست همزیستی مسالمت آمیز بمرتبه مبارزه اصولی و بیگرن نیروهای ضد امپریالیست و هوادار صلح و در رأس آنها اتحاد شوروی و بر اثر تغییر تناسب قوا بسود سوسیالیسم پیروز میگردد. نتیجه منطقی و غائی پیروزی سیاست همزیستی مسالمت آمیز از جمله انحلال بلوکهای نظامی موجود است. ولی درست در چنین دورانی دولت ایران نه فقط برای «تجدید حیات» پیمان تجاوز کارانه سنتو ، بلکه برای تشکیل بلوک نظامی جدیدی در خلیج فارس تلاش میکند .

در تلاش تشکیل بلوک نظامی جدید

تلاش دولت ایران برای تشکیل بلوک نظامی جدید تا زگی ندارد. از چند سال پیش که «سنتو» ظاهراً «تق و لوق» و «بی بو» شده بود ، دولت ایران میکوشید پیمان نظامی جدیدی را در منطقه سرهم بندی کند . ولی از زمان اعلام «خروج» نیروهای انگلیسی از منطقه ، تلاش برای نیل به این هدف شدید تر شده و هر روز هم شدید تر

میشود . صرف نظر از فعالیت های پشت پرده ، «اظهار امیدواری» خلعتبری وزیر خارجه ایران در آستانه سفر اخیرش به عربستان سعودی مبنی بر اینکه «سفر او به عربستان قدم جدیدی در بهره برداری از تقاهم ایران و عربستان بنفع همکاریهای منطقه ای بشمار آید .» (اطلاعات ۱۱ تیر ۱۳۵۲) ، سفر «غیر رسمی» عباس مسعودی نائب رئیس مجلس سنا به کویت ، قطر ، سلطان نشین عمان ، امارات متحده عربی و بحرین و اظهارات او مبنی بر اینکه «کشورهای منطقه خلیج فارس میبایستی هر چه زود تر با اتخاذ يك سیاست همکاری ، همفکری و تقاهم به امر صلح و ثبات این منطقه که در معرض رقابتهای بزرگ و کوچک قرار گرفته تضمین بخشند» و اینکه «همبستگی ... بدون همکاری واقعی يك یا دو کشور بزرگ منطقه از جمله عربستان ممکن نیست» (اطلاعات ۵ فروردین ۱۳۵۲) و تفسیر روزنامه «ایران» دنباله در صفحه ۳

بسوی کنگره جهانی صلح در مسکو

نیست که در آستانه بیست و پنجمین سال جنبش جهانی صلح برپا میشود ، بلکه آنچه به این کنگره اهمیت خاصی میدهد و آنرا از کنگره های دیگر ممتاز میکند ، شرایطی است که تحت آنها بوجود می آید . محیط بین المللی بیش از هر زمان دیگر بنفع تخفیف وخامت اوضاع بین المللی تغییر کرده ، پیروزیهای سیاست همزیستی مسالمت آمیز در جهان مخصوصاً در اروپا و نیرومندی روافزون نیروهای ضد امپریالیسم - دنباله در صفحه ۴

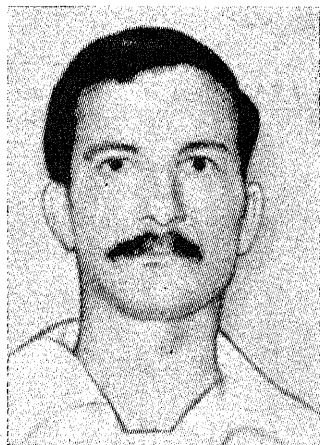
در یائز امسال (اکتبر) کنگره جهانی صلح در مسکو تشکیل خواهد شد . هیئت رئیسه شورای جهانی صلح در آخرین نشست خود در سانتاگو پایتخت شیلی (۸ تا ۴ اکتبر ۱۹۷۲) طی پیامی ، از تمام جنبشها و سازمانهای بین المللی و منطقه ای که هدفهای مشترک کسی با شورای جهانی صلح دارند ، دعوت کرد که نه تنها در کنگره جهانی بلکه در تدارک آن نیز زیر شعارهای صلح ، امنیت و استقلال ملی شرکت کنند . اهمیت این کنگره تنها از این جهت

يك سند بزرگ دوستی و انترناسیونالیسم پرولتری

«... هیئت نمایندگی ویتنام صمیمی - ترین احساسات خلق ویتنام را نسبت به خلق شوروی ، میهن لنین سترگ ، زادگاه انقلاب اکتبر که بزرگترین انقلاب تاریخ بشری است و عصر سوسیالیسم و کمونیسم را آغاز نهاده و راه خلقها را بسوی رزم های رهایی بخش گشوده است ، ابراز داشت .

هیئت نمایندگی ویتنام احساس شور و شوق فراوان خود را نسبت بدستاوردهای برجسته دولت شوروی از همان ابتداء پیدایش بیان داشت . خلق شوروی از دستاوردهای انقلاب اکتبر با شرف و افتخار مذاقه کرد ، بشریت را از خطر فاشیسم نجات بخشید ، دنباله در صفحه ۳

چنانکه خوانندگان «مردم» میدانند هیئت نمایندگی حزب زحمتکشان ویتنام و جمهوری دموکراتیک ویتنام بریاست رفیق له دو آن دبیر اول حزب زحمتکشان و رفیق فام وان دونگ نخست وزیر جمهوری دموکراتیک ویتنام از ۹ تا ۱۶ ژانویه ۱۹۷۳ در اتحاد شوروی بود . در پایان این دیدار پر شور که به نمایش هیجان انگیز دوستی و همبستگی برادرانه و رزمنده دو خلق مبدل شد ، سند معتبری بامضاء رهبران دو کشور نشر یافت . ما بخشی از این سند را که در آن ارزیابی پراعتبار رفقای ویتنامی از نقش گذشته و حال اتحاد شوروی و سیاست آن بیان شده است نقل می کنیم .



هوشنگ تیزابی

هوشنگ تیزابی قهرمان راستین خلق

روز ۱۰ تیر مطبوعات دولتی خبر دادند که هوشنگ تیزابی یکی از باصلاح «خوابکاران» هنگامیکه در مخفی گاه خویش در محاصره مأموران انتظامی قرار گرفت ، بعزت مقاومت مسلحانه و زد خورد مقابل بقتل رسید .

هوشنگ تیزابی که بود ؟

در حدود دهسال پیش جواق پرشور و میهن دوستی به عرصه مبارزه علیه رژیم گام گذارد که هنوز درک روشنی از مسائل دنباله در صفحه ۴

اینست امپریالیسم

تبلیغات رژیم واژه امپریالیسم را اصطلاح ساخته‌گی توده‌ایها میدانند. روزنامه اطلاعات آنرا، کنایه آمیز در داخل گویم می‌گیرد. معنای امپریالیسم، یعنی انحصارهای بزرگ غارتگر سرمایه داری که ثروت و حاصل دسترنج توده‌های مردم کشورهای جهان سوم را به تاراج می‌برند، روشن است. ایران خود از میدانهای مهم تاخت و تاز این غارتگران آرمند است. در باره این غارتگری امپریالیستی عده‌ای از سخن‌گویان و وابستگان به رژیم ایران اظهارات و اعتراضات جالبی دارند. برای معرفی امپریالیسم و نشان دادن جهانخواهی آن حتی همین اظهارات و اعتراضات باندازه کافی بلیغ است. ما این فاکتها و اسناد را ذیلاً نقل می‌کنیم.

«مردم»

اطلاعات - سوم تیر ماه ۱۳۵۲ -

اظهارات رضا فلاح

دکتر رضا فلاح، امضاء کننده پیش نویس قرار داد جدید فروش بیست ساله نفت به کنسرسیوم، گفت: «در موضوع افزایش بهره دهی منابع نفت، منافع کنسرسیوم با منافع ایران یک جهت نبود و کنسرسیوم از هر اقدامی که سرمایه گذاری قابل توجهی را اقتضا می‌کرد طفره می‌رفت... از زمان دارسی تا دوره کنسرسیوم همیشه کنترل ذخیره نفت کشور و اتخاذ تصمیم در باره روشهای بهره برداری صرفاً توسط دارنده امتیاز و خارج از کشور صورت می‌گرفت.»

مردم: روزنامه اطلاعات به اظهارات فلاح می‌افزاید که کنسرسیوم مانند اجاره داری که در ملک غیر، عمل می‌کند غم ایشا نداشت که به سر چاه چه می‌آید و مدت طولانی ایران نیدانست که اصولاً چه منافع گران قیمتی به کمترین قیمت از ایران خارج میشود. جالب است که این آقایان چنان صحبت می‌کنند که گویا شرکت در این غارتگری وحشتناک اصلاً بآنها مربوط نیست. فلاح می‌گوید از زمان دارسی تا کنسرسیوم، یعنی هفتاد سال اتخاذ تصمیم در باره روش بهره برداری صرفاً توسط دارنده امتیاز و خارج از کشور صورت می‌گرفت. پنجاه سال از این هفتاد سال سلسله پهلوی در ایران با قدرت دیکتاتوروری حکومت می‌کند و با هیچ فریبی نخواهد توانست خود را از مسئولیتی که در درون اعتراف فلاح و اطلاعات نهفته است، خلاص نماید.

اطلاعات - ۵ خرداد ۱۳۵۲ -

غارتگری نفت

«استخراج (در آینده) علمی خواهد بود و نه «دیبی»... سابقاً بنا بر عرضه و تقاضا و ضرر شرکتها کار می‌کردند و وقتی خریداران فراوان بودند تا سرحد چپاول و غارت و بخاطر ارزان تمام کردن هزینه

تولید، غیر علمی عمل می‌کردند... این نوع استخراج موجب میشد که قسمتی از نفت در داخل چاه باقی بماند و بدون اینکه دولتها بدانند تا هزاران میلیون دلار نابود شود و هم اکنون هزاران میلیون دلار نفت در تله چاه در خطر نابودی است و تذکرات هم بجائی نمی‌رسید...»

کچان - ۲ تیر ماه ۱۳۵۲ -

عدم توازن بازرگانی

«مطالعه روابط بازرگانی ایران و بازار مشترک نشان میدهد که در سال ۱۳۵۰ بازار مشترک با خرید ۸۹۱ میلیون کالا از ایران، ۶۳۲٫۴ میلیون دلار جنس با ایران فروخته است... در حال حاضر روابط تجاری ایران با بازار مشترک حاکی از یک شکاف ۵۰۰ میلیون دلاری بضرر ایران است و پیش بینی میشود که تا سال ۱۹۷۸ این عدم توازن به رقم سرسام آور ۱۲۰۰ میلیون دلار بالغ گردد.»

اطلاعات - ۳۰ خرداد ۱۳۵۲ -

بیانات دکتر نصر

دکتر نصر وزیر سابق دارائی در کلوب «رتاری» ضمن نطق خود در باره «نقش کشور های رو بتوسعه در جنگ بازرگانی» گفت: «کشور های پیشرفته ترتیبی اتخاذ میکنند که محصولات صنعتی مرتباً گرانتر شود و مواد اولیه ارزانتر خریداری گردد و کشور های رو بتوسعه که معمولاً مواد اولیه صادر میکنند، قدرت خریدشان بتدریج کمتر میشود... بهره را بانکهای بین المللی مرتباً بالا می‌برند و از ۷ درصد به ۸ درصد رسیده است. در سال ۱۹۶۹ تقریباً ۱۱ میلیارد دلار کشور های در حال توسعه، بابت اصل و بهره وامهای خود داده اند و این پرداختها بطور متوسط سالی ۹ درصد بالا می‌رود و اگر این رویه ادامه یابد در آتی نزدیک یک پرداخت های کشور های عقب مانده از تمام کمکها و سرمایه گذارهای خارجی در این کشورها تجاوز می‌نماید.»

اطلاعات - ۲۷ فروردین ۱۳۵۲ -

هوشنگ انصاری در «اکافه»

هوشنگ انصاری در ۲۹-مین اجلاس کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آسیا و افریقا (اکافه) گفت: «بحران پولی در کشور های سرمایه داری نه تنها تورم را تشدید میکند، بلکه وضعی پیش می‌آورد که این کشورها نتوانند حتی بر آورد قابل اطمینانی از این هزینه‌ها داشته باشند. کارتها قیمت و میزان ارز و شرایط فروش مواد اولیه صنعتی مورد نیاز کشورها را تحت کنترل خود در آورده اند و در نتیجه افزایش سریع و مداوم قیمتها و وجود مشکلات در دستیابی به کالاهای مورد نیاز و تأخیر طولانی تحویل کالاها پیش آمده است... دود رقابت

دنباله از صفحه ۱

بسوی کنگره جهانی صلح در مسکو لستی، در جنبشهای جهان این اعتماد و اعتقاد راسخ را پدید آورده که جنبش آنها در راه صلح و افکار عمومی صلحجویانه در جهان، قش کلیدی را در مبارزه ضد امپریالیستی بازی میکند، همکاری و اقدامات مشترک سازمانها و جنبشهای گوناگون که هدف آنها صلح، امنیت و استقلال است بمرحله ای رسیده که از این پس میتوانند مشترکاً نه تنها در یک کنگره جهانی صلح شرکت کنند، بلکه با هم در تشکیل و رهبری آن همکاری نمایند. آنها دریافته اند که بهترین وسیله برای کارائی فعالیت هایشان در اتحاد تمام نیروهائی است که برای هدفهای مشترک صلح، امنیت و استقلال مبارزه میکنند.

یروزهای برنامه صلح اتحاد جماهیر شوروی که تأثیر قاطع آنرا در قرار دادهای اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری دموکراتیک توده ای لهستان با آلمان فدرال و نتایج گرانقدر مسافرت رفیق برژنف به آلمان فدرال و امریکا و در پیشرفت کار کنفرانس خلع سلاح و محدود کردن سلاح های اتمی و نظائر آنها میبینیم، ابتکارات ثمربخش کشورهای سوسیالیستی و بعضی کشورهای دیگر اروپائی (مثلاً فنلاند) برای امنیت اروپائی و پیشرفت آنها، شکست امپریالیسم امریکا در شبه جزیره هندوچین و عدم موفقیت سیاست این امپریالیسم در صحنه های دیگر جهان، یروزهای مبارزه ضد امپریالیستی و ضد استعماری، ضرباتی که در بسیاری از کشورهای در حال رشد، به شرکت های انحصاری بین المللی وارد کردند (از جمله کشورهای عضو اوپک، الجزیره، عراق، لیبی، سوریه)، تغییر تناسب قوا در سازمان ملل متحد بزبان امپریالیستها، فرو ریختن پایه های جنگ سرد، پیشرفت جنبشهای آزادی بخش در افریقا که در بسیاری از ارگانهای رسمی بین المللی بعنوان نماینده واقعی مردم این قاره شناخته شده اند، مجموعاً عواملی هستند که محطی از اعتماد و خوش بینی و احساس روز افزون نبره مندی برای مبارزان راه صلح بوجود آورده اند.

از سال ۱۹۶۹ که کنگره جهانی صلح در پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان، برلین، تشکیل گردید تا اکنون جنبشها و سازمان های نوی بخاطر صلح در جهان بوجود آمده اند، رابطه و تماس شورای جهانی صلح با این جنبشها و سازمانها و همکاری با نظائر

کشور های بزرگ بچشم کشورهای در حال توسعه می‌رود و دسته بندی تولید کنندگان محصولات صنعتی مثل ماشین و آلات و مواد اولیه صنایع و ایجاد بازار سیاه و شرایط تحمیلی و تصنعی این اجحاف را آشکار تر می‌سازد.

(تکیه روی کلمات از ماست)

آنها بمقیاس بین المللی توسعه یافته و میتوان گفت که امر صلح جنبه توده ای بخود گرفته است. در مبارزه برای پایان دادن به جنگ ویتنام در فرانسه ۴۸ سازمان مشترکاً فعالیت کردند که از جمله آنها حزب کمونیست فرانسه و سوسیالیستها و کنفدراسیون سندیکاها بودند. در ایالات متحده امریکا ائتلافی از گروهها و سازمانهای گوناگون بخصوص برای پایان دادن بجنگ در ویتنام و بخاطر صلح بوجود آمده است. در انگلستان مبارزه برای صلح در ویتنام و امنیت اروپائی تعداد زیادی از سندیکاها، نمایندگان پارلمان و سازمانهای مؤثر صلح را در جریان مبارزه مشترک بخاطر صلح کرد آورده است. از این نوع ائتلافها در تمام قاره ها از جمله در بسیاری از کشورهای امریکای لاتین، در استرالیا، در هند، در بنگلادش، در عراق، در سوریه، لبنان، کویت، مصر و دیگر کشورهای عربی، بوجود آمده که میلیونها نفر از مردم جهان در آنها برای صلح، استقلال و عدالت اجتماعی مبارزه جلب شده اند.

ترکیب کنگره

در تدارک این کنگره عظیم از دولت های که طرفدار صلح، امنیت و استقلال بوده و از فعالیتهای سازمانهای غیر دولتی صلح پشتیبانی میکنند نیز دعوت شده است که نمایندگان خود را بعنوان ناظر به کنگره بفرستند و هر پیشنهادی که در جهت پیشرفت هدفهای شورای جهانی صلح دارند، بارگان تدارک کنگره تسلیم نمایند. کمیته تدارک کنگره همکاری نزدیک را با سازمان ملل متحد و سازمانهای وابسته آن و سازمانهای نظیر سازمان «وحدت افریقا»، بخصوص در باره مسائلی مانند مبارزه با استعمار و تبعض نژادی و کمک به کشورهای در حال رشد امری لازم دانسته و در این زمینه اقدامات مؤثری بعمل آورده و نظر مثبت آنها بطور شریک، چه در جریان تدارک کنگره و چه خود کنگره بعنوان مشورتی جلب کرده است.

برای شرکت وسیع جنبشها و سازمانها در کنگره و در جریان تدارک آن، شورای جهانی صلح نمایندگان کشورهای مختلف فرستاده و با احزاب و سازمانهای گوناگون تماس گرفته و در این راه بموفقیتهای جالبی نائل آمده است. هم اکنون از روی وسعت و دامنه کنفرانس تدارک میتوان پیش بینی کرد که کنگره جهانی صلح در مسکو بصورت یک حادثه بزرگ جهانی درخواهد آمد که در آن نمایندگان کشورها، سازمانهای رسمی بین المللی، سازمانهای گوناگون سیاسی و دموکراتیک، شخصیت های برجسته علمی و ادبی و فرهنگ، جهان زیر پرچم شعارهای شورای جهانی صلح برای صلح، امنیت و استقلال بطرز بیسابقه ای گرد خواهند آمد و در راه همکاری تمام نیرو های صلح و ترقی و ضد امپریالیستی سود بشریت بیشتر و قدمهای بلندی بر خواهند داشت و وظیفه تمام فعالین در راه صلح اینست که در هر جا که هستند و تا حدی که در قدرت آنها است برای جلب افکار عمومی با اهمیت و نقش این کنگره بکوشند. ۱۰ گویا

دنباله از صفحه ۱

دولت ایران برای تشکیک...

نوبت «ارگان حزب دولتی (۲۱ خرداد ۱۳۵۲) مبنی بر اینکه «کشورهای خلیج فارس به لزوم هماهنگی در اتخاذ سیاست واحدی در مورد خلیج فارس در برابر بیگانگان پی برده اند» و تأکید اینکه این «اندروز دوستانه ای است که سالهاست محافل سیاسی تهران... در راه همکاری همسایگان جنوبی خود در باره خلیج فارس بر زبان میاورند»، هم حاکی از آنست که فعالیتهای پشت پرده برای تشکیل بلوک نظامی جدید در خلیج فارس به مرحله قطعی نزدیک میشود و هم نشان دهنده نقش فعال دولت ایران در این زمینه است.

خطر از کجاست؟

در توجیه لزوم بلوک جدید نظامی تبلیغات دولتی دائماً از خطر نفوذ «بیگانگان» و نیروهای «غیر بومی» در خلیج فارس سخن گوید. ولی گاه اشارات از این صریحتر است و در باره «خطر عراق»، «خطر هند»، «خطر یمن جنوبی» و «خطر ظفار» نیز سخن می رود. نغمه کهنه «خطر کمونیسم» و «خطر شوروی» و «فعالتهای خرابکارانه» هم البته - مانند همیشه - جای خود را دارد.

ولی با توجه باینکه دولت ایران درباره پایگاه نظامی امریکا در بحرین و حضور نیروهای انگلیسی در شیخ نشینهای خلیج فارس بصورت «نیروهای محلی» اصلاً سخنی نمیگوید؛ با توجه باینکه ایران با هم پیمانان امریکائی و انگلیسی خود در اجلاس اخیر شورای وزیران سنتو در تهران وظایف خاصی برای «سنتو» در خلیج فارس و شبه قاره هند در نظر گرفته؛ با توجه به اینکه دولت ایران با مرتجعترین محافل منطقه، از ملک فیصل گرفته تا سلطان عمان، روابط دوستانه دارد و در تلاش اتحاد با آنها بر ضد خلقها و جنبشهای آزادیبخش منطقه است، آنوقت تمام عبق سیاست ارتجاعی و ضد ملی دولت ایران آشکار میشود. زیرا معلوم میشود که چرا عراق و هند، که هم مرز با خلیج اند، «بیگانه» و «غیر بومی» اند، ولی امریکا و انگلیس که آن سر دنیا هستند «خودی» و «بومی». روشن میشود که چرا امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی، که دهها سال است کشورهای منطقه خلیج فارس را غارت میکنند و خلقهای این منطقه را برای پیشبرد مقاصد آزمندانه و تجاوزکارانه خود اسیر کرده اند؛ خطری برای دولت ایران ندارند، ولی جنبشهای آزادیبخش ملی، که میکوشند خلقهای این منطقه را از اسارت نجات دهند، «خطر ناک» اند.

ولی خلقهای منطقه خلیج فارس - از جمله خلقهای ایران - خطر واقعی را برای آزادی و استقلال خود و برای صلح و امنیت در خلیج فارس تسلط نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی در این منطقه میدانند و به همین جهت مدتهاست که مبارزه جانانه بر ضد این تسلط برخاسته اند. دولت ایران علیرغم دروغها و سفیله ها و هیاهویش نمیتواند این واقعیت

را پنهان کند که در کنار نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی و در برابر نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک این منطقه و قبل از همه در برابر خلقهای ایران ایستاده است.

منبع الهام امپریالیسم است

دولت ایران میکوشد وانمود کند که در تلاش برای تشکیک بلوک نظامی جدید «مبتکر» بوده است. هدف از این کوشش ضمناً آنست که پیوند این بلوک با امپریالیستها پوشانده شود. تردیدی نیست که محافل حاکمه ایران بعلت وابستگی خود به امپریالیسم و جدائی خود از مردم حق دارند که از جنبش خلقها بترسند و برای حفظ تسلط شوم خود بهر وسیله متشبث شوند. از این جهت نقش فعال ایران برای تشکیک بلوک نظامی جدید انکار ناپذیر است. با اینهمه دولت ایران حتی در ایفای این نقش شوم هم «مبتکر» نیست. منبع اصلی الهام امپریالیسم است.

مدتهاست که امپریالیسم میکوشد مسئله «دفاع» از مدافع خود و رژیمهای وابسته بخود رابر دوش این رژیمهای وابسته بگذارد. تبلور این سیاست در «دکترین نیکسن» دیده میشود. پیدایش این دکترین هم علت اقتصادی و هم علت سیاسی دارد. امپریالیسم با تحقق این دکترین بیک تیر چند نشان میزند: هم از مخارج نظامی خود به این کشورها میکاهد، هم به آنها اسلحه میفروشد، هم ظاهر «ملی» و «منطقه ای» به این پیمانها میدهد. اینکه امپریالیستها الهام دهنده اصلی نقشه تشکیک بلوک نظامی جدید در منطقه خلیج فارس هستند و اینکه رژیمهای ارتجاعی این منطقه اجرا کنندگان این نقشه اند بارها از طرف خود آنها تأیید شده است. از جمله ژرف سیکو معاون وزارت خارجه امریکا در آخرین اظهارات خود گفته است که «ایالات متحده امریکا کوشیده است که همکاری منطقه ای را میان کشورهای منطقه بویژه ایران و عربستان سعودی گسترش دهد.» (اطلاعات ۱۱ فروردین ۱۳۵۲) و شاه هم در مصاحبه اخیر خود با خبرنگار مجله امریکائی «نیوزویک» (۲۱ مه ۱۹۷۳) خود را مجری «دکترین نیکسن» خوانده است.

هدف اصلی

دفاع از منافع امپریالیسم است

اگر بلوک نظامی جدید، با شکل جدید، اساساً یک طرح امپریالیستی است، هدف اصلی از تشکیل آن هم دفاع از منافع امپریالیسم است. در این زمینه هم راز پنهانی وجود ندارد. صحبت از «آمین جریان مداوم نفت به غرب» و «چلو گیری از نفوذ کمو-نیسم» و «مبارزه با فعالیتهای خرابکارانه» و «حفظ امنیت و ثبات در خلیج فارس» و نظائر آن تردیدی باقی نمیگذارد که در واقع صحبت بر سر حفظ منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیسم است. اینکه رژیمهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم نیز در نیل به این هدف ذینفع اند و اینکه حفظ و دفاع از این منافع بمعنی تلاش برای

دنباله از صفحه ۱

یک سند بزرگ دوستی

و اترنالیسم پروولتری

و فعالانه برای ایجاد شرائط مساعد تشکیل سیستم جهانی سوسیالیستی بمثابه عامل فاعل تکامل جامعه بشری و رونق نیرومند جنبش جهانشمول استقلال ملی، عمل کرد و در عرصه های اقتصاد، فرهنگ، علم و فن به پیشرفتهای بیسابقه دست یافت و عصر تصرف سر کوب جنبشهای آزادیبخش منطقه و اسیر نگاهداشتن خلقهای این منطقه نیز هست، روی دیگر این مدال است.

بیکار خلقها بر ضد امپریالیسم

و ارتجاع شدت می یابد

خلقهای منطقه خلیج فارس با سیاستهای امپریالیستی و ارتجاعی بهر شکل که در آید - از جمله تشکیک بلوک نظامی جدید - که ستونهای اصلی آنها باید ایران و عربستان سعودی تشکیل دهند، مخالفند و با آن مبارزه میکنند. اینکه این طرح امپریالیستی و ارتجاعی نتوانسته است تا کنون به مرحله عمل در آید، صرف نظر از اختلافاتی که بین طراحان و اجرا کنندگان آن وجود دارد - از جمله اختلاف بین ایران و عربستان سعودی بر سر «رهبری» این بلوک - بعلت مخالفت و مبارزه خلقها و نیروهای ضد امپریالیستی در این منطقه است. تظاهر این مخالفت از جمله در ایران با وجود رژیم ترور و پلیسی آنقدر شدید است که حتی در روزنامه های دولتی منعکس میشود. از جمله روزنامه آیندگان مینویسد: «بدبختانه افراد عادی، حتی قشر مهمی از طبقات روشنفکر این کشور از ماهیت و عظمت خطری که آتیه این خلیج زرخیز را تهدید میکند غافلند و بهین دلیل اقدامات بسیار صحیح و معقول دولت خود را برای تقویت نظامی خلیج فارس گاهی بیخبرانه تخطئه میکنند و پولهایی را که در این راه خرج میشود اسراف مینمایند.» (بمنقل از خوانندگانش شماره ۷۷ سال ۳۳)

نیروهای ضد امپریالیستی و هوادار صلح البته دچار چنین توهمی نیستند که گویا طراحان و اجرا کنندگان «جنگ سرد» بسادگی، بدون مقاومت، بدون اخلال و بدون تلاش برای بعقب راندن چرخ تاریخ به سیاست همزیستی مسالمت آمیز تن در دهند. آنها بمشکلات و دشواریهایی که بر سر راه صلح قرار دارد، واقفند. نمونه اش همین تلاش برای تشکیک بلوک نظامی جدید در خلیج فارس است. ولی آنها در عین حال به پیروزی قطعی و نهائی خود نیز ایمان دارند، زیرا میدانند که در جهت تکامل صلح آمیز، آزاد و مترقی جامعه بشری عمل میکنند. بر این اساس تلاشهای دولت ایران و همکاران امپریالیست و مرتجع آن، اگر چه ممکن است بطور موقت در برابر نیروهای صلح، آزادی و ترقی در خاورمیانه و خلیج فارس مشکلات و دشواریهایی ایجاد کند، ولی بدون تردید سر انجام با شکست روبرو خواهد شد.

م. انوشه

کجهان را بسود بشریت گشود. امروز اتحاد شوروی یک کشور جهانی مقتدر است، دارای صنایع مدرن، کشاورزی جمعی رشد یافته، نیروی دفاعی قدرتمند، فرهنگ و دانش پیشرو. اتحاد شوروی بمثابه نخستین کشوری است که بساختمان سوسیالیسم خاتمه داده و اکنون راه را بسوی کمونیسم باز میکند.

اتحاد شوروی از روز پیدایش خود نسبت به حفظ دوستی بین خلقها سهم بزرگی ادا کرده و به همراه دیگر کشورهای برادر سوسیالیستی فعالانه با مرقوتیت نیروهای انقلابی و مترقی جهان در بیکار علیه امپریالیسم، بخاطر صلح، استقلال ملی، دمکراسی و سوسیالیسم یاری رسانده است.

خاق ویتنام برای خلق شوروی تحت رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی و کمیته مرکزی آن که برهبری لئونید ایلینج برژنف است، کامیابهای بیشتر و باز هم بزرگتری را در اجراء وظایف معظمی که کنگره بیست و چهار حزب کمونیست اتحاد شوروی برای ساختمان کمونیسم معین کرده است، خواستار است. اجراء این وظایف به تقویت اقتدار سیستم جهانی سوسیالیسم بحد زیادی کمک میکند و نمونه ای هیجان آور برای مبارزه خلقها در راه سوسیالیسم است...

هیئت نمایندگی ویتنام از جانب کمیته مرکزی حزب زحمتکش ویتنام و دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام و تمام خلق ویتنام به پیروی از وصایای رئیس ارجمند ما هوشی مین، نسبت به حزب کمونیست اتحاد شوروی، دولت شوروی و تمام خلق شوروی سپاس گزاری هر چه صمیمی تر و عمیقتر خود را بخاطر پشتیبانی و کمک بزرگ، ارزنده و مؤثری که آنها در جبهه های نظامی، سیاسی و دیپلماتیک به ویتنام مبذول داشته اند، ابراز میدارد. این کمکها و پشتیبانیها در پیروزی تاریخی خلق ویتنام و دفاع از استقلال و آزادی وی و ساختمان سوسیالیسم در این کشور سهم مهمی داشته است...

رهبران اتحاد شوروی و ویتنام بر آنند که تناسب کنونی نیروها در صحنه جهان، و قدرت روزافزون سیاسی، اقتصادی و نظامی کشورهای سوسیالیستی و تحکیم جنبش رهایی بخش ملی و پیشرفت جنبش کمونیستی و کارگری شرایط واقعی را برای ظفره نندی بیشتر امر صلح و ترقی اجتماعی فراهم میآورند. پیروزی مردم ویتنام در نبرد علیه تجاوز امریالیستی که موافقت نامه پاریس جلوه گاه آن است نقش بزرگ برای تحکیم امنیت و صلح در آسیا و سراسر جهان ایفاء میکند.

حزب زحمتکش ویتنام و دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام فعالیت اتحاد شوروی را که در توافق با تصمیمات کنگره ۲۴ حزب کمونیست شوروی در راه تحکیم صلح و امنیت بین المللی و اجراء اصل لنینی همزیستی مساوی ملت آمیز کشورهای دارای سیستم های اجتماعی و در راه پشتیبانی فعال از استقلال، آزادی و ترقی اجتماعی خلقهای رزمنده جهان میشود، مورد تأیید قرار میدهند...

ویریا مو

کشور پرتقال خود را مظهر « تمدن مسیحی » مینامد، و « ناتو » هرگز ارمنیان سلاح را از وی دریغ نداشته و « ناتو » خود را در فئشار « جهان آزاد » میخواند. « مسیحیت »، « تمدن غربی »، « جهان آزاد »، همگی وهمگی به چنین در آمده‌اند تا در موزامیک، آنگولا، گینه بیسائو به قله میر غضبی و آدمخواری دست یابند و بر سیاهه دراز جنایت ها، اقلام نوی بیافزایند.

مسیحیان تمدن و آزادیخواه! خواه از پرتقال، خواه از میان درخیمان سفید پوست که از اروپای سرمایه داری آمده‌اند، در دهکده « ویریا مو » تمام نبوغ و اختراع فکری خود را در آدمکشی برملا کرده اند، فوتبال با سر بریده کودکان، دریدن شکم زنان آبستن، زنده سوزاندن اهالی در کومه های گالی پوش، خورد کردن جمجمه ها با چکمه های میخی، برابر نشانیدن صف زنان و مردان و سپس بنام خواندن آنها و آنگاه شلیک کردن به سینه آنها پیش چشم یکدیگر، واداشتن مادران بخوردن گوشت فرزندان خود... چنین است فهرست نارسائی از « تقریحات » خون آلود این « مسیحیان آزادیخواه ».

اهرمین های خون آشام، سادیست های درمان ناپذیر، از هزاران فرسنگ با کشتی و هواپیما آمده‌اند و به این سیاهان جنگل نشین معصوم میگویند: « در کومه بی نوای خود حق زیستن ندارید، زیرا جرأت کرده‌اید که به بردگی خود اعتراض نمائید. »

آیا این فقط در پرتقال است؟ آیا این فقط در « ویریا مو » است؟ مگر « ارادور » در فرانسه، « لیدسه » در چکسلواکی، « بابی یار » در اوکراین فراموش شده؟ آنجا که پرتقالی سیاه مو نبود. آنجا نژاد موزرد چشم آبی شمالی بود که میخواست « رایش هزار ساله » برپا کند و « بربریت بلشویسم » را نابود سازد.

و آیا « سونگ می » فراموش میشود؟ آیا نام درخیمان آن « ستوان مدینا » و « سرخوخه کالی » که « دادگاه » امریکا آنها را توجیه و تبرئه کرد فراموش میشود؟ این بچه کشها نیز که پرتقالی بودند. از ایالات متحده امریکای شمالی، از کشور « ستاره ها و نوارها » بودند. از کشوری که مارتین لوتر کینگ را میکشد، هندو چین را بخون میکشد و سپس دعوی میکند که با « هونهای قرن بیستم » مشغول مبارزه است! از گنام کانگسترهای مجهز بدلار، دلاری که اکنون در جهنم دره نکبت غلطان است.

کیست که « کایتانو » جلاد موزامیک را، در حصار پلیسهای محافظ، علی رغم غریو پر خاش مردم، در آغوش میکشد؛ مستر ادوارد هیث، نخست وزیر علیاحضرت ملکه، لیدر محافظه کاران بریتانیا. آری تمام سرمایه در پشت سر آدمخواران پرتقالی است. تمام سرمایه شریک جرم است. تمام سرمایه آلوده بخون کودکان معصوم است. بگفته لنین « روی هر سکه دلار، توده ای است از پلیدی. » میگویند در آنگولا نفت فراوانی در دل خاک ذخیره است. امپریالیستها هر جا از طلای سیاه نشان داشته باشند، خون سرخ را جاری میکنند. وطن ما نمونه نمایان آنست.

اینست آن استعمار که روزروازی جهان، هم نو و هم کهن آنرا منکر است و آنرا اختراع مارکسیستها قلمداد میکند و جارچیان قلم بدست شاه ایران نیز آنرا منکرند و میخواهند مجاهدان ضد استعمار را بجای استعمار جا بزنند! ولی استعمار آنجاست، با دشته خون چکان، با چکمه خون آلود، با چنگهای متشنج از حرص سود ورزی، در « ویریا مو »، در « سونگ می » در کشتار اندونزی، در کشتار بنگلادش و در همه جا که خلق و حقیقت به جنبش بر میخیزد. مردم ایران این دیو خونخوار و یاران و همدستانش را از دیر باز می شناسند.

جبهه رهایی بخش آنگولا و موزامیک (فره لیمو) اکنون دهسال است، علی رغم قساوتها و خشونت های هار دشمن، می رزد و اینک دیگر بخش بزرگی از کشور را رهایی بخشیده است. « گروه های ضربتی » کایتانو و سرمایه داری پشت سرش قادر نیستند چرخ تاریخ را باز دارند. تقای آفایان عبث است. ۱ سپهر

نامه آئینده به برژنف

به دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی رفیق لئونید ایلچ برژنف!

باهجان تمام از پیام و پشتیبانی برادرانه ای که خطاب بمن بنام رفقای شوروی مایبان داشته اید، سپاسگزاری میکنم. این امر بار دیگر همبستگی تغییر ناپذیر کشور شمارا با جریان رهائی ملی که مردم شیلی آنرا با عزم آهنین انقلابی آغاز کرده اند تأیید میکند. بار دیگر نیروهای نظامی و تأمینیه کشور ما به سنت خود که برای مردم شیلی مایه مباحثات است وفاداری خود را نشان داده اند. گروه کوچک فریب خوردگان کوشیدند تا این سنت را بشکنند و بزور، پیشروی ظفر نمون خلق ما را متوقف سازند، ولی این تقلا با شکست کامل روبرو شد. نیروهای متشکل زحمتکشان و نظامیان و مأموران تأمینیه که در سطح عالی حرفه ای هستند و به قانون احترام میگذارند سدی عبور ناپذیر برای هر نوع طغیان فاشیستی بشمارند.

رفیق برژنف! پیام شما در نزد ما اهمیتی خاص کسب میکند زیرا بیانگر عواطف مردم شوروی است یعنی مردمی که در نزد همه مبارزان راه آزادی و فضیلت انسانی در کشور ما و آن مناطق جهان که در آن هنوز استثمار انسان از انسان ادامه دارد، احترام و قبول عامه یافته است. در فهرست کبیر پیروزیهای بزرگ صلح جهان و شکست نهائی امپریالیسم موقفیت جدید مردم شیلی جای شایسته ای خواهد یافت. با هیجان انقلابی شما را در آغوش می کشم.

ساولدر آئینده گوسنس
رئیس جمهور شیلی

در آخرین ساعاتی که ماهنامه مردم زیر چاپ بود قرار داد جدید نفت بدون هیچگونه بحث و شوری از تصویب نهائی گذشت. ما با آنکه نظر خود را درباره قرار داد جدید کرارا بوسیله رادیو پیک ایران و ماهنامه مردم بیان داشته ایم ولی در شماره آینده بار دیگر در این باره خواهیم نوشت.

رادیو پیک ایران را

بشنوید!

رادیو پیک ایران همه روزه. از ساعت ۶ تا ۷ و ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ردیف ۲۵، ۲۶ و ۳۱ متر بزرگنمایی کردی. آذربایجان و فارسی برنامه بخش میکند. عین همین برنامه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه تا ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران مجدداً تکرار میگردد. رادیو پیک ایران را بشنوید و شنیدن آنرا به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید.

دنیاله از صفحه ۱

هوشنگ تیزابی قهرمان راستین خلق

اجتماعی و سیاسی ایران نداشت. سه بار به علت فعالیتهای سیاسی خود به زندان افتاد و از یکماه تا پنجسال محکوم شد. اما با وجود شکنجه و فشار کمترین ضعفی در زندان از خود نشان نداد و هر بار پس از آزادی مبارزه را راسختر از پیش از سر گرفت. مطالعات مارکسیستی او چه در زندان و چه در خارج از زندان بتدریج او را به مواضع حزب ما نزدیک نمود و آشنائی او با رادیو پیک ایران بانگ رسای حزب ما منشاء تحول فکری در او گردید.

هوشنگ تیزابی پس از آشنائی با مشی سیاسی و سازمانی حزب ما دست بانتشار نشریه ای مخفی زد که آنرا « بسوی حزب توده ایران » نام نهاد. او مقالات این نشریه را بر اساس تحلیل های رادیو حزب ما از مسائل ایران و جهان مینوشت، چاپ میشد و رهنمود های سازمانی و تبلیغاتی حزب ما را بکار می بست و خود را عضو حزب توده ایران میدانست. تیزابی در نشریه « بسوی حزب توده ایران » اقدامات چریکی را انتقاد میکرد و روشهای چریکی را در شرایط کنونی ایران زیان بخش میدانست. او از شعار تشکیل جبهه واحد همه گروه های سیاسی مخالف رژیم دفاع مینمود. اما سازمان جهنمی امنیت که هیچ مخالف رژیمی را تاب تحمل ندارد بدروغ از او یک « چریک شهری » ساخته و مدعی شده است که « تیزابی » مسلحانه مقاومت کرده و در خانه او مقادیری اسلحه کشف شده است. حتی در تصویری که سازمان امنیت از مخفی گاه او در روزنامه ها چاپ نموده جز چند عکس و تعدادی ماشین تحریر و ماشین پلی کیپی چیزی دیده نمیشود و معلوم نیست سلاحهای کیستی کجاست؟

ما اطلاع موثق داریم که مأموران سازمان امنیت هوشنگ تیزابی را بعنوان یک مبارز توده ای دستگیر و زیر شکنجه بقتل رسانده اند و بدروغ مدعی هستند که حین زد و خورد مسلحانه بقتل رسیده است. ما از همه نیروهای پیشرو در داخل و خارج از کشور میخواهیم در افشاء تبه کاریهای سازمان امنیت فعالیت خود را بیش از پیش گسترش دهند و جنایات این سازمان آذمکش را هر چه بیشتر برملا سازند.

درد پرشور ما به هوشنگ تیزابی، این قهرمان راستین خلق که جان خود را در راه یک مبارزه اصولی، پیگیر و روشنگرانه با شهامت کم نظیر از دست داد. ما یقین راسخ داریم که هزاران مبارز جوان دیگر براه هوشنگ تیزابی گام خواهند نهاد، اگر حتی سراسر کشور به کشتار گاه مبارزان بدل شود.

توجه!
مسائل بین المللی و مجله Deutsche Außenhandelsbank A. G. Berlin
Konto-Nr. 9608-3131-0010
بیکار بشرح زیر است: